

چشم اندازی بر سازمان کشورهای صادرکننده گاز

دکتر ناصر فرهادگر* / فرناز بادپر**

چکیده

نوشتار حاضر به بررسی «مجمع کشورهای صادرکننده گاز»^۱ که اخیراً ایجاد شده می‌پردازد. این نوشتار همچنین آغازی برای تحقیق و تجزیه و تحلیل بیشتر پیرامون این پرسش است که آیا در اوپک^۲ و مجمع کشورهای صادرکننده گاز با هم همکاری دارند و یا به‌طور مستقل کار می‌کنند؟ و دیگر این که آیا مجمع کشورهای صادرکننده گاز یک کارتل مانند بقیه کارتل‌های جهانی است یا خیر؟

کلید واژه‌ها

اوپک، کارتل، کشورهای غنی گازی، منابع انرژی، کنترل قیمت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* دانشیار علوم سیاسی دانشکده علوم اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی

** کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبایی

1- GECO

2- OPEC

مقدمه

با نظر به این که جمعیت جهان روبه افزایش است و نیز با توجه به افزایش بی سابقه قیمت نفت در سال‌های اخیر تقاضا برای منابع مختلف انرژی و از جمله گاز بالا رفته است. در این راستا گاز طبیعی می‌تواند جایگزین برگزیده‌ای از نظر جهانی باشد.

دولت‌ها و گروه‌های زیست محیطی اظهار کرده‌اند که گاز انرژی مناسبی است که خود نتیجه نرخ بالای مصرف است. مثلاً در هندوستان نرخ رشد مصرف گاز در دهه اخیر حدود ۴ برابر زغال سنگ بوده است (F.E.Banks, 2003: 27).

تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که گاز طبیعی اثر وسیعی را روی اقتصاد جهانی، ایجاد فرصت‌ها و ریسک‌های جدید، وابستگی‌های متقابل و هم‌ترازی‌های جغرافیایی - سیاسی دارد (Yergin, Stoppard, 2003: 103- 104).

علی‌رغم این خوش‌بینی نیز، هنوز توسعه ظرفیت تولید گاز در مقایسه با ذخایر ثابت آهسته است. جدای از ملاحظات اقتصادی، ریسک‌های سیاسی دلیل عمده‌ای برای فقدان سرمایه‌گذاری گازی است. در ضمن ذخایر کلان گازی در برخی از کشورهای بین‌مدیترانه و هند (آسیای میانه) بلا استفاده باقی مانده‌اند (The Economist Magazine, 2004).

مقارن با این سابقه، این نوشتار ضرورت سازمان کشورهای صادرکننده گاز را بررسی می‌کند. این بررسی احتمالاً نتیجه‌ای است از انجمن کشورهای صادرکننده گاز که ۴ سال قبل به‌عنوان محل جلسه کشورهای تولیدکننده عمده گاز تشکیل شده بود.

با این فرض که دولت‌های عضو تاکنون به مجمع پیوسته‌اند، تا چه اندازه اوپک به‌عنوان الگوی آن است؟ این‌ها مسایل مهمی هستند، زیرا احتمال دارد مجمع بازیکن اصلی در صنعت نفت و گاز شود، شاید نیز تکرار نقش اوپک در بازار جهانی نفت باشد. احتمال می‌رود که مجمع قیمت گاز را تعیین کرده و روی تامین عرضه آن در آینده اثر بگذارد. علاوه بر این عرضه جهانی گاز ممکن است نتواند همراه با تقاضای آن ادامه یابد، به‌ویژه هنگامی که کشورهای اصلی مصرف‌کننده به سرعت به واردکننده محض گاز طبیعی تبدیل گردند (Banerjee, 2004). و بالاخره یک سوال مهم این‌که چه روابط سیاسی و اقتصادی بین صادرکنندگان و واردکنندگان گاز ایجاد می‌شود؟

همان‌گونه که اشاره شد این مطالعه بیشتر یک مطالعه تطبیقی است. تاکید این گفتار روی مراحل شکل‌گیری مجمع در مقایسه با تاریخچه و ارزیابی و طرز کار اوپک است. گرچه آشکار است که هیچ

دو کارتلی مشابه نیستند، اما همه آنها پدیده‌های تاریخی هستند که در طول زمان تغییر می‌کنند (Alderman, 1993).

اگرچه در این مورد که به هر حال اوپیک یک کارتل است بین اقتصاددانان توافق عمومی وجود دارد، این تحقیق از این موضوع که اوپیک یک کارتل است یا نه سخن نمی‌گوید، (Griffin, Teece, 2004) هدف این است که به اوپیک به‌عنوان گروهی از تولیدکنندگان نفت درگیر قیمت‌گذاری آن از طریق سقف تولیدات نگریده شود و عربستان به‌عنوان تولیدکننده‌ای شناور در نظر گرفته شود.

در این نوشتار اصطلاح کارتلیزیشن^۱، تبانی و همکاری به‌جای هم، به مفهوم هر گونه تلاش توسط یک گروه تولیدکننده به منظور مدیریت قیمت، به نفع خود استفاده می‌گردند. فرض اصلی نوشتار قیمت ثابت و قابل کنترل است، به این شرط که آن رشد درآمد اعضا و افزایش تقاضا را به اندازه کافی ایجاد کند و رشد اقتصاد جهانی را پشتیبانی کند. در حمایت از چارچوب رقابتی که به کارگیری اوپیک و صنعت نفت (یا بازار نفت) به‌عنوان اساسی برای تجزیه و تحلیل مجمع در صنعت گاز جستجو می‌کند، این مقاله خلاصه‌ای از نوشته‌هایی درباره این موضوع را ارائه می‌دهد، سپس به‌طور خلاصه نگاهی بر تاریخچه اوپیک در صنعت نفت انداخته و حرکت مجمع را به سمت تبدیل احتمالی به یک کارتل بررسی می‌کند.

گفتار اول: خلاصه‌ای از دیدگاه‌ها

به‌طور شگفت‌آوری تنها تعداد کمی نوشته‌های تحلیلی در رابطه با ضرورت سازمان صادرکننده گاز وجود دارد.

دلایل متعددی ممکن است این عدم علاقه را تایید نماید، نوشته زیر مروری بر این موارد است: علی عیسوی^۲ تشکیلات مجمع را نشانه آشکاری بر این که تولیدکنندگان گاز تصمیم گرفتند که مستقل از اوپیک باشند، می‌بیند. او اشاره می‌کند که سازمان کشورهای صادرکننده گاز وقتی می‌تواند به‌طور موثر کار کند که به محدودیت نپردازد. عیسوی با تشویق کشورهای عضو به شرکت فعالانه در فرایند آزادسازی نظر خود را به پایان می‌رساند (Aisaoui, 2003: 3-5).

1- Cartelization

2- Ali Aisaoui

این نوشتار علی‌رغم شرایط مجمع ادعا می‌کند ملل اروپایی بخش‌های گاز و برق خود را برای رقابت با موفقیت باز کرده‌اند.

کنال والش^۱، تحلیل‌گر انرژی احتمال می‌دهد که اروپا، ایالات متحده و ژاپن هم‌اکنون اثری قوی روی کشورهای غنی گازی دارند و بنابراین می‌توانند از اقدامات مجمع جلوگیری نموده و آن را ناکام نمایند.

والش نتیجه می‌گیرد که گاز در جاهای دیگر نیز وجود دارد و برخی از تولیدکنندگان بزرگ (مثل کانادا و هلند) ممکن است مجمع را نادیده بگیرند (Walsh, 2004). چنین استدلالی چندان قوی نمی‌باشد. چرا که تلاش دو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و آژانس بین‌المللی انرژی برای تقلیل نفوذ اوپک در بازار نفت شکست خورده است. حتی تولیدکنندگان غیر اوپک نیز از سیاست‌های اوپک سود برده‌اند، همچنین در رابطه با سال‌های شکل‌گیری اوپک حقایق سیاسی و اقتصادی متفاوتی موجود است.

به‌عنوان مثال، الواروسیلوا کالدرون^۲ دبیر کل اوپک به‌طور جالب توجهی از تاسیس مجمع استقبال کرده و می‌پندارد تولیدکنندگان گاز با چالش‌های مشابهی همانند تولیدکنندگان نفت مواجه خواهند شد. از این‌رو انتظار دارد که مجمع مسائل را به روش اوپک چاره‌گزینی کند. او تلاش احتمالی هفت کشور اوپک را که به مجمع ملحق شده‌اند را نیز بررسی می‌کند (Calderon, 2003).

نماینده اندونزی (دکتر مایزار)^۳ در اوپک از نیاز به تفاهم دو جانبه بین اوپک و مجمع یاد کرده است. او با خوش‌بینی بیان کرد که در آینده مجمع برای اداره موضوعاتی مانند تثبیت قیمت‌ها و امنیت تولید تلاش و توسعه پیدا خواهد کرد (Rahman, 2004).

از سوی دیگر دست‌اندرکاران صنعت نفت کشور قطر ضرورت وجود کارتل را رد می‌کنند، زیرا تجارت گاز قراردادهای بلندمدتی را دربر می‌گیرد که به راحتی تغییر می‌کنند و نقض می‌شوند.^۴ در حالی که پیش‌بینی چنین استدلالی مخصوصاً برای دلایل مسائل سیاسی، اقتصادی و استراتژیک به نظر اغراق‌آمیز می‌رسد.

1- Conal Walsh
2- Alvaro Silva-Calderon
3- Maizar Rahman

قراردادهای بلندمدت برای جلوگیری ضرورت و عملکرد بازارهای کوتاه مدت محصولات گاز در برخی مناطق، پدیدار نشده‌اند.
بازار معاملات نقدی و قراردادهای انعطاف‌پذیر اساس سازماندهی و رقابت توسط مجمع را تشکیل می‌دهند.

گفتار دوم: صنعت نفت

۱- تاریخچه اوپک

الف) ساختار:

بازار نفت تا قبل از سال ۱۹۶۰ دو نوع از آرایش کارتل را دارا بود که قیمت، حجم تولید یا هر دو را در دوره‌های مختلف اداره می‌کرد. این بازار در ابتدا گروهی از شرکت‌های یکپارچه بین‌المللی نفت به صورت ساختار افقی و عمودی بود، که شرکت‌های فرانسوی^۱ و هفت خواهران را در بر می‌گرفت (Yergin, 1992).

دومین آرایش کارتل در ایالات متحده توسط افراد مقامات دولتی برای جیره‌بندی سهمیه تولید تشکیل شد. گرچه این زمینه و سهمیه‌بندی داخلی بود، اما اثر و فشار آن روی بازار بین‌المللی نفت بود (Danielsen, 1982: 3-5). این دو گروه (دو شکل کارتل) ساختار و زمینه را برای تاسیس اوپک مهیا کردند.

در سپتامبر ۱۹۶۰، ایران، عراق، کویت، عربستان و ونزوئلا اوپک را به منظور برگرداندن قیمت‌های نفت به سطح قیمت‌های قبل ایجاد کردند (Yergin, 1992).

ماموریت اصلی اوپک در بازار نفت رسیدن به ثبات قیمت در سطحی قابل قبول و منصفانه هم برای تولیدکننده و هم مصرف‌کننده است. اگرچه اوپک همیشه اولویت را به کشورهای تولیدکننده نفت و لزوماً تأمین درآمد معینی برای آنها می‌دهد (OPEC, 2005).

ب) فرایند دگرگونی:

در طول دورانی از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۳ اوپک اقدامات زیر را پشت سر نهاد:

1. Jersey (Exxon), Socony-Vacuum (Mobil), Standard of California (Chevron), Texaco, Gulf, Royal Dutch/Shell and BP.

- زیرساخت‌های سیستم مالی را برای اطمینان دولت‌های میزبان از درآمد بیشتر هماهنگ کرد (حتی با وجود کاهش قیمت‌های نفت) (Alderman, 1993).

- به کنترل تولید اقدام کرد، به دلایل سیاسی و همچنین کنترل قیمت به کنترل تولید اقدام نمود.

- بیانیه‌ای را از سال ۱۹۶۸ صادر کرد تا امتیازات انحصاری فوق‌العاده‌ای به دولت‌های میزبان که درصد بالاتری را در عملیات نفتی دارا بودند، اعطا می‌نمود.

- در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱ اعضای اوپک به گونه‌ای یک‌جانبه عمل کردند.

- به صورت متناوب به افزایش قیمت‌ها و تقلیل تولید اقدام کردند (برای نمونه: تحریم اوپک ۷۴-۱۹۷۳).

- نرخ‌های حق‌الامتیاز و سود و مالیات بر درآمد را افزایش داده و شرکت‌های نفتی گازی بین‌المللی شده و به پیمانکاران و خریداران نفت خام خدمات می‌دادند (Griffin, 1982).

اوپک در مسیر تثبیت قیمت‌هایش، آن‌ها را تا ۱۲ سال بعد از سال ۱۹۷۳ تثبیت کرد و پس از آن تولیدکنندگان نفت خام را برای همین هدف و دیگر اهداف اداره کرده است (Alderman, 1993).

۲- بازار نفت و قیمت‌گذاری اوپک

ماهیت بازار نفت قابلیت اوپک را برای منظم کردن قیمت نفت و اثر بر آن را تامین کرده است. از دیدگاه تاریخی در آخر دهه هفتاد تعداد بسیار کمی معاملات نقدی وجود داشت و قیمت‌ها دقیقاً براساس قیمت‌های اعلام شده توسط اوپک بنا شده بودند (Gately, 2004: 1101-1112). این قیمت‌ها همچنین بنیانی را برای قراردادهای بلند مدت ایجاد کردند.

ماهیت یکپارچه صنعت در آن زمان اوپک را قادر ساخت کنترل محکم و پایدار ایجاد کند. در اوایل دهه ۱۹۸۰ گرچه کشورهای جدید بیشتری وارد بازار شده بودند و ملی شدن ساختار سنتی شرکت‌های بین‌المللی نفت را تغییر داد. به تدریج به علت معاملات آسان (آرمز لنت)^۱ و نقدی بازار شفاف‌تر شد، بازار نقدی توسعه یافت و نقدینگی بیشتری برای مدیریت ریسک تجارت ایجاد شد. سپس شرایط قراردادهای برای قیمت‌های نقدی اعلام شد. از این رو نهر کوچک اوپک ضعیف شد و آن دوباره بعد از شوک نفتی دوم تلاش کرد تا کنترل را به دست گیرد (Alhajji, Huentner, 2000: 1151-1164). پس از آن در سال ۱۹۸۳ اوپک سیستمی را برای

1- Arms-Lengh Transactions

جیره‌بندی و سهمیه‌بندی حجم تولیدی اعضا مطرح کرد. در سال ۱۹۸۳ قدرت‌های تثبیت قیمت‌های اوپک بعد از مشخص کردن سهمیه‌ها قراردادهای سلف‌نای مکس^۱ در مارس ۱۹۸۳ بسیار بی‌ثبات شدند (Laoussine, 2002:7-11). علاوه‌بر قرارداد سلف برنت آی‌پی‌ای^۲، قراردادهای سلف به‌عنوان ابزاری برای مدیریت ریسک قیمت به‌کار رفت. اکنون این فراگردها^۳ از لحاظ سطح رشد کرده‌اند و در بسیج کردن سرمایه‌ها و ذخایر برای پروژه‌های نفتی استفاده می‌شوند. با وجود اثر تغییر سیاست عربستان روی بازار (شکستن قیمت در سال ۱۹۸۶) اوپک هنوز هم از سیستم سهمیه‌بندی تولید استفاده می‌کند. در آوریل ۲۰۰۰ کشورهای اوپک موافقت‌نامه شرافتی را به‌منظور نگه‌داشتن محدوده قیمت‌ها بین ۲۸-۳۲ دلار امضا کردند (Economist, 2000). در سال ۲۰۰۴ قیمت‌های نفتی افزایش ناگهانی را داشت که سوالات جدیدی را در مورد توانایی اوپک برای مدیریت قیمت‌های نفت ایجاد کرد.

در سال‌های اخیر قیمت‌های نفت به اثر متقابل دستکاری عرضه توسط اوپک و نیروهای بازاری در مبادله‌های مختلف و متفاوت نفت بستگی دارد.

بازار نفت همچنین ویژگی‌های خاص زیر را دارد:

- ۱) عدم کشش‌پذیری قیمت تقاضا: اوپک، به‌خصوص عربستان با توجه به سهم بدون کشش منحنی تقاضای کشورهای صنعتی، دادوستد نفتی می‌کند. این مساله دلیل این موضوع است که چرا سازمان حتی با وجود مساله اصلی عدم رعایت سهمیه‌های اعضا به فعالیتش ادامه می‌دهد.
- ۲) سقوط هزینه عملیات و تولید: پیشرفت تکنولوژی در استخراج نفت به‌طور عمده‌ای هزینه استخراج، توسعه و تولید را کاهش داده است. این امر حقیقتاً باعث افزایش قابلیت سوددهی اقتصادی ذخایر نفتی که تاکنون بلااستفاده مانده بود، گردید. از این‌رو تولیدکنندگان ارزشمند اوپک توانایی این را دارند که ظرفیت تولیدشان و قدرت‌شان در بازار را افزایش دهند.
- ۳) ظرفیت مازاد بر احتیاج: نظریه هزینه تولید در کشورهای جنوب آسیا و شمال آفریقا، برخی از کشورهای اوپک، توانایی برای ایجاد ظرفیت مازاد را به اندازه کافی دارا هستند. از این‌رو اوپک توانایی اثرگذاری روی قیمت، حتی در شکل بازار رقابتی را دارد.

1- Self-Nymex

2- IPI Brent

3- Derivatives

۳- صنعت گاز

الف) ماهیت بازارهای گازی^۱

بخش بین‌المللی گاز افزایشی را در تقاضا با افزایش عرضه در شیب پایین‌تری تجربه کرده است. از آنجا که تقاضا نسبت کشش‌ناپذیری به قیمت ایجاد کرده است، عرضه به علائم بازاری که به علت ملاحظات سیاسی کم شده است پاسخ می‌دهد (Iea, 2002: 13-23). افزایش تولید در کشورهای مصرف‌کننده کلان، نگرانی‌های طرف عرضه را افزایش می‌دهد. وجود ذخایر ثابت شده در کشورهای دور و از نظر سیاسی بغرنج کمکی به عرضه نکرده است (Williams, 2003: 21). در طول سال‌های متفاوت بازار گاز از کنترل بالا به سمت رقابتی شدن انتقال یافته است (Iea, 2004: 129-167).

جدا از گاز طبیعی مایع، شبکه بازارهای منطقه‌ای منابع را از میادین مختلف تولید به صورت خطوط لوله‌های متصل با هم یکی کرده‌اند. با نقدینگی داده شده و مشارکت و ائتلاف عمیق ایجاد شده، نیروهای بازاری می‌توانند به شوک‌هایی مثل منابع تخصیص قیمت، به شایستگی پاسخ دهند (De Vany, 1995: 83-91). تجارت گاز هم‌اکنون در شکل قراردادهای بلندمدت دریافت و پرداخت و هم معاملات بازار نقدی صورت می‌گیرد. اکنون در بازار محصولات گازی نظیر بازار نفت معاملات پایپای (سواپ)^۲، سلف ثابت و اختیاری وجود دارد (مثل آن بی‌پی و هنری هاب)^۳. همچنین قراردادهای معاملات سلف در بازار گاز ابزار کارآمدی برای خرید و فروش تامینی (تبدیل پوششی) در قبال قیمت و حجم ریسک است. به نظر می‌رسد که قیمت‌های سلف گازی بایستی مسیر صحیحی را طی کند و پیش‌بینی می‌شود که قیمت نقدی نسبتاً اثربخش است (Wagbara, 2005).

با توجه به سابقه فروش گاز طبیعی در مقایسه با تاریخچه بازارهای نفت ملاحظات زیر در نظر گرفته می‌شود:

- ساختار قرارداد رایج دریافت و پرداخت بلندمدت (و قیمت‌گذاری) عملاً در بازار نفت هم موجود بوده است.

- بازار گاز در حال توسعه است، همانند بازار نفت که در گذشته حجم تجارت آن گسترش یافت، بازار گاز اوج خواهد گرفت. این امر اطمینانی برای بازار جهانی گاز و جهانی ایجاد می‌نماید.

۱- این بحث علاوه بر تجارت گاز طبیعی مایع، بازارهای خط لوله آمریکای شمالی و اروپا را پوشش می‌دهد.

2- Swap

3- NBP and Henry Hub

- استفاده از قیمت‌های بازارهای نقدی (هنری هاب و ان‌بی‌پی) به عنوان شاخص قراردادهای بلندمدت اکنون شبیه به مسیر تکاملی تعیین بهای نفت در بازار نفت است.
- نظیر موقعیت قرارداد نفت، قراردادهای اخیر گاز بیشتر انعطاف‌پذیر هستند.
- افزایش واردات گاز ایالات متحده و ابزارهای مالی رشد یافته ممکن است قیمت‌های گاز «هنری هاب» را با شرایط جهانی بالا ببرد. پس از آن احتمال دارد هاب تعیین‌کننده انحصاری قیمت شود. شبیه به همان گونه‌ای که «دبلیوتی آی اسپات»^۱ یک سنج تجاری بین‌المللی برای نفت شد. بنابراین آشکار است که بازار جهانی یکپارچه‌ای برای گاز در حال پدیدار شدن است.

ب) مجمع

به علت وجود شباهت‌های برجسته‌ای در روند تکاملی بازارهای نفت و گاز این قسمت، تاریخچه مجمع را ارائه می‌دهد.

۱- تاریخچه

مجمع جلسه سخنرانی آغازین را در مه ۲۰۰۱ در تهران برگزار کرد. این جلسه با حضور الجزایر، برونئی، اندونزی، مالزی، نیجریه، نروژ به عنوان ناظر، عمان، قطر، روسیه، ترینیداد و توباگو، ترکمنستان و کشور میزبان، ایران برپا شد. در فوریه ۲۰۰۲ الجزایر دومین جلسه مجمع را میزبانی کرد (CDA, 2004).
در این جلسه اعضای مجمع گسترش یافته و شامل بولیوی، مصر، لیبی و ونزوئلا شد. در سپتامبر ۲۰۰۲ در اوساکای ژاپن، مجمع پس از یک اوج‌گیری کوتاه هدفش را از همکاری چنین اظهار کرد: «بازارهای انرژی مستحکم و شفاف به منظور بهبود اقتصاد دنیا، امنیت عرضه و تقاضا و گسترش تجارت جهانی در منابع انرژی» (Global Gas Reporting, 2003).
در دوحه، قطر در ۴ فوریه ۲۰۰۳ جلسه سوم مجمع برگزار شد (Khelil, 2003). در طی برگزاری اجلاس دوحه، هیات وزرا مجمع نیز در مارس ۲۰۰۴، مجمع تصمیم گرفت کمیته اداری را تاسیس کند (Alberdeen Press, 2004). این کمیته در اواخر ژوئن ۲۰۰۴ ایجاد شد و در چهارمین جلسه عمومی در ژوئیه ۲۰۰۴ معرفی شد. باید تاکید شود که این کمیته یک گام بالاتر از رابطه اداری قبلی

1- WTI Spot

است. ترینیداد و توباگو میزبان پنجمین جلسه مجمع در آوریل ۲۰۰۵ بود. ششمین جلسه وزیران برای برگزاری در ونزوئلا در تاریخی مشخص شده توسط کمیته برنامه‌ریزی شده است. مجمع که دوره چرخشی ریاست را اجرا می‌کند، قصد دارد به منظور حذف موانع محدودکننده تجارت جهانی گاز، قوانینی را برای قیمت‌گذاری قراردادهای بلندمدت (طولانی‌مدت) ایجاد کند. در این خصوص، مصر تاکنون یک قاعده قیمت‌گذاری را به کمیته ارائه کرده که قیمت‌گذاری قرارداد گازی را از قیمت‌های نفت دور می‌کند. همچنین انتظار بر این است که استراتژی ثبات قیمت‌ها در موقعیت‌های خاص آتی بیشتر رعایت شود (Devi, 2004).

مصری‌ها ادعا می‌کنند که این قاعده قیمت‌گذاری می‌تواند تولیدکنندگان را در برنامه‌ریزی به سمت جلو کمک کند، مصرف‌کنندگان را از نوسانات قیمت حفظ نموده و گردش وجوه پایدار را به منظور ارزیابی طرح‌هایی که توسط وام‌دهندگان هدایت می‌شود را تامین کند (Energy intelligence Group, 2004). هنگامی که این طرح مورد قبول واقع شود، ممکن است قیمت قراردادهای بلندمدت به طور یکنواخت انتخاب شود!

با این حال در برابر این دورنما پرسش این است که آیا مجمع مایل است که قیمت‌های گاز را تثبیت نماید؟ در ابتدا اوپک از روش اعلان قیمت‌های نفت خام در سال ۱۹۷۰ استفاده کرد (Griffin, 1982)، آیا تاکنون مجمع به همان شیوه عمل می‌نماید؟

آنچه گذشت نشان می‌دهد که امکان دارد به زودی یک کارتل برای تثبیت قیمت‌های گاز ایجاد شود. این قیمت ممکن است قیمت قابل قبول کلی و قیمتی را که از طریق کنترل مقدار تولید، ایجاد نمی‌شود منعکس کند. یک چنین کارتلی احتمال دارد هنگامی که مصرف‌کنندگان توسط تقاضایشان برای گاز از طریق بازارها، نرخ تولید را تعیین می‌کنند، قیمت را پابرجا نگه دارد (Danielson, 1982).

چه بسا مجمع بتواند بهای قابل قبولی تعیین کند، در آن صورت توازن مناسبی حاصل می‌گردد. مکانیزم کنترل قیمت شاید برای تنظیم از سیستم سهمیه‌بندی تولید (اجرا شده توسط اوپک) آسان‌تر باشد. مجمع می‌تواند از موفقیت‌ها و شکست‌های اوپک درس بیاموزد. مجمع برای دریافتن حقایق و ویژگی‌های بازار تلاش می‌کند.

۱- منبعی در وزارت انرژی مصر ادعا می‌کند، کشورهای عضو مجمع از قاعده قیمت‌گذاری در قرارداد امضا شده اخیر استفاده کردند.

۲- چشم انداز توافق میان فروشندگان گاز (الف) تولیدکننده روسی (عامل روسی)

روسیه بزرگترین تولیدکننده گاز جهان است و تقریباً حدود ۳۰٪ از ذخایر ثابت گاز دنیا را داراست. ایران ۱۵٪ و قطر ۹٪ از ذخایر را در خود جای داده‌اند (Iea, 2004: 3-133). اتحادیه اروپا (شامل ۱۰ عضو جدید) ۴۰٪ واردات گاز خود را از اتحادیه شوروی سابق تامین می‌نماید.

گازپروم،^۱ یک شرکت انرژی وابسته به دولت روس است و همچنین تولیدات گاز را به ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان حمل نموده و می‌فروشد (Nazarov, 2004). ضمناً چین و ژاپن به تدریج در حال رقابت برای دریافت مواد لازم گازی از روسیه هستند (Aberdeen Press, 2004). اندازه و بزرگی ذخایر گازی روسیه، سهم بازار، شرایط جغرافیایی، با نظر به ماهیت ناپایدار و تشنج‌آمیز کشورهای غنی گاز کاملاً مهم هستند. این موضوع همواره فرصتی را برای روسیه ایجاد می‌کند که هم راهنمای قیمت و نیز یک تولیدکننده شناور در مجمع باشد (مثل عربستان در اوپک).

این حقایق مستقیماً به این موضوع که سازمان کشورهای صادرکننده گاز قطعاً ایجاد خواهد شد اشاره نمی‌کنند، اما حداقل احتمال آن را افزایش می‌دهند. این ادعا با توجه به ماهیت سیاسی و اقتصادی مواد اولیه پربازده انرژی منطقی است. در حال حاضر گاز اسلحه‌ای وابسته به جغرافیای سیاسی است که توسط روسیه در اتحادیه شوروی سابق استفاده می‌شود (Agoulnik, 2004). با توجه به این که روسیه عضو سازمان تجارت جهانی است، عضو اوپک نمی‌باشد، ولی با این سازمان همکاری دارد.

(ب) تقاضا

پیش‌بینی می‌شود بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۳۰ تقاضای جهانی انرژی تا حدود ۶۰ درصد افزایش یابد. همچنین انتظار می‌رود مصرف گاز تا حدود ۹۰ درصد افزایش یابد، این افزایش مصرف انرژی، سهم گاز را در مصرف جهانی انرژی تا حدود ۲۵ درصد افزایش خواهد داد (Iea, 2004). احتمال دارد بیش از ۴۰ درصد افزایش نهایی در مصرف جهانی انرژی توسط تقاضای تولید انرژی ایجاد شود (Williams, 2003).

1- Gazprom

تولید انرژی همچنان ۵۹ درصد افزایش در تقاضای تولید را گزارش می‌دهد. چرخه مرکب توربین گاز بیشتر برای افزایش تولید انرژی در نتیجه کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای، زمان انجام کار تولید کوتاه‌تر و صرفه‌جویی‌های مقیاس است (Iea, 2004). نسبت قابل قبول افزایش تقاضا احتمالاً به علت تولید انرژی گازسوز به کوره‌های سازمان توسعه و همکاری اقتصادی نسبت داده می‌شود. به‌طور کلی هنگامی که یک منبع انرژی در یک سطح قیمت به‌خصوص و موجودی ملزومات ثابت، نسبتاً ارزان‌تر می‌شود منحنی تقاضای صنعتی آن کاهش‌ناپذیر می‌شود (Danielson, 1982). از این‌رو موجودی دستگاه‌های کاربردی (در الکتریسیته، تولید، سیستم گرمایشی و حمل و نقل) در میان‌مدت افزایش می‌یابند و قیمت تقاضایشان را بدون کاهش می‌کنند. این موضوع به‌صورت آشکاری ابزار دخالت را برای دستکاری قیمت به تولیدکنندگان گاز می‌دهد.

ج) عامل درآمدی و سهم بازار

کشورهای عضو مجمع صاحب ۷۸/۹ درصد ذخایر گاز جهان هستند و در ۵۵/۶ درصد تولید بین‌المللی گاز نقش دارند (BP statistical review of world energy, 2004) و در مقابل، اوپک به ترتیب ۷۵ درصد ذخایر نفت را داراست و ۴۰ درصد در تولید نفت نقش دارد. ذخایر ثابت گازی جهان حدود ۲/۳ بیشتر از ذخایر نفتی هستند (Tempest, 1986). با توجه به آن‌چه در بالا آمد، اکنون ممکن است اگر چنین کارتلی ایجاد شود اثر بیشتری از اوپک در بازار جهانی داشته باشد.

توانایی یک کارتلی به‌منظور اثر روی شرایط بازار به ظرفیت‌های ذخیره و متغیرهای هزینه‌ای‌اش بستگی دارد. بدین ترتیب نسبت وفور گاز، قدرت مجمع در بازار را تامین می‌کند.

د) دشواری سیاسی

اعضای مجمع از کشورهای عضو اوپک^۱ و کشورهای همکاری‌کننده با آن (Rahman, 2004) تشکیل می‌شوند. همچنین سهم قابل قبولی از ذخایر ثابت در کشورهای در حال توسعه است، (Tempest, 1986) و بیشتر اعضای مجمع در کشورهای جهان سوم ساکن هستند. بیشتر اعضای

۱- الجزایر، اندونزی، ایران، لیبی، نیجریه، قطر و ونزوئلا

مجمع کشورهای هستند که تحت فشارهای شیبه به هم مسائل اقتصادی - اجتماعی و نیازهای درآمدی قرار دارند، ضمناً آنها همگی تقریباً به منابع طبیعی به عنوان منبع درآمد اصلی شان وابسته هستند (مثل شرایط موجود در اوپک). از این رو تمایل بر سودهای ماکزیمم مداوم از واگذاری باصرفه، به نظر یک هدف مشترک می رسد. این مسائل و منافع مشترک توافقی اساسی و بنیادی روی موضوعات مهم در مجمع را ایجاد می کند. بنابراین قاعده سازی و سیاست های مستقیم، برای منافع دو جانبه اعضا، تحت شرایط یک کارتل آسان ترمی گردد. می توان نتیجه گرفت که برای اعضای مجمع مسائل گاز کاملاً ریشه ای و استراتژیک بوده و بر آن کاملاً توافق دارند.

ه) پیشرفت صنعتی

نمی توان اثر مثبت اختراعات فنی و صنعتی روی افزایش تقاضا را انکار کرد، این نوآوری های فنی روی کاهش هزینه های استخراج، تولید و حمل و نقل نقش دارند. همچنین مجمع شاید بتواند روی کاهش هزینه های آشکار زنجیره عرضه کنندگان گاز طبیعی مایع سرمایه گذاری کند. هنگامی که هزینه های مجمع کمتر شود، مجمع می تواند قیمت را تقریباً به اندازه کافی برای ایجاد تقاضای بدون کشش گاز، کاهش دهد. کاهش هزینه ها امتیاز حیاتی برای کشورهای جنوبی آسیا و شمالی آفریقای عضو اوپک است که می توانند از آن بهره مند گردند.

احتمال دارد نرخ توسعه های فنی و تکنولوژیکی در استفاده از گاز افزایش یابد، همان طور که این مورد در سال های ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ برای نفت رخ داد (Ibid). این موضوع ابزار پر قدرتی به انجمن برای توافق خواهد داد.

ابتکارات در گاز طبیعی مایع، تقاضای گاز و حجم تجارت آن را در سراسر بنادر و مناطق افزایش داده است (IEA, Natural Gas Information, 2003). این توسعه بازارهای نقدی را در انگلیس و ایالات متحده ایجاد کرده است. در نتیجه مشتقات مالی برای مدیریت ریسک ایجاد شده اند (Jensen, 2003). به دنبال رقابت قیمت های جاری در سراسر بازارهای منطقه ای تجارت گاز طبیعی مایع، احتمال دارد یکپارچگی این بازارها را هدایت کند. یکپارچگی بازار و همگرایی قیمت های گاز منطقه ای مرجع واحدی را برای تعیین قیمت گاز ایجاد می کند. به عنوان مثال قیمت ابزاری می شود که مجمع از طریق آن نفوذش را بر روی بازار اعمال کند.

۳- فشار احتمالی

الف) متمرکز کردن عضویت

در راهی که مجمع گام برمی‌دارد، شمار و تعداد اعضای سازمان اثر و بازتاب آن را در بازار جهانی بیشتر خواهد نمود. مشکل اصلی بیشتر در رابطه با موضوعات سیاسی، جریان اطلاعات، همکاری سیاسی، اصلاح بهره و سود، می‌باشد. این دشواری‌ها مخصوصاً زمانی که صنایع متعدد گاز (و بازار مختلف) در سطوح متفاوت توسعه باشند بیشتر می‌شود. در حالی که برخی از آن‌ها مجبور هستند مجوزهای تولید را به شرکت‌ها واگذار کنند (مثل شرکت‌های جنوب آسیا و شمال آفریقا)، دیگر کشورها درصدد توسعه ظرفیت‌های تولیدی‌شان هستند (مثل روسیه و الجزایر). این چنین واگرایی‌هایی می‌تواند شرایط سیاست‌گذاری را متاثر کند. متأسفانه موضوع توزیع پراکنده ذخایر ثابت گاز سراسر دنیا نیز بغرنج و پیچیده است (Spe Review, 2004: 6-7). اگرچه این فشار مانعی برای اوپک نشده است اما ممکن است به هر حال تشکیل یک کارتل گازی را تحمیل کند.

ب) ریسک‌های سیاسی و هزینه‌های سرمایه‌گذاری بالا

هزینه‌های بالای سرمایه‌گذاری در زنجیره عرضه، برای تحمیل گاز به‌عنوان یک منبع انرژی، با وجود تعداد زیاد طرح‌های گاز طبیعی مایع وجود دارد (Jensen, 2003). بیشتر کشورهای غنی گازی فاقد سرمایه‌گذاری‌های کلان مورد نیاز برای توسعه ذخایر گازی خود هستند و این وضعیت با توجه به عدم توانایی کنترل خشونت و ناپایداری سیاسی این کشورها برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی تشدید می‌شود. این کشورها همچنین فاقد بازارهای مالی توسعه یافته برای سرمایه‌گذاری بر روی طرح‌هایشان هستند. در رابطه با اوپک، صنعت نفت به‌طور قابل ملاحظه‌ای، قبل از آن‌که اوپک ایجاد گردد توسعه یافته بود. گرچه ملاحظات سیاسی و ریسک‌ها، احساس وطن‌پرستی سرمایه‌گذاران را تعدیل کرده است، اما متعادل کردن این ریسک در قبال سودهای مورد انتظار به‌علت تغییر شرایط مالی دشوار است. این موانع گسترش ظرفیت تولید و سهم بازار را مختل می‌کند و به‌طور غیرمستقیم مانع توانایی مجمع برای تبانی در شکل یک کارتل می‌شود.

ج) فقدان ظرفیت مازاد بر احتیاج

ظرفیت مازاد تفاوت بین ظرفیت تولید و تولید واقعی است (Alhajji, 2000: 1151-1164). این ظرفیت عامل کلیدی تعیین کننده‌ای است که توسط آن تولیدکننده می‌تواند بازار را کنترل کند. عربستان بالاترین مقدار ظرفیت ذخیره در اوپک را داراست (Danielsen, 1982). از این رو او نقش یک تولیدکننده شناور مهم را در اوپک ایفا می‌کند. کشورهای عضو مجمع به علت موضوعات هزینه‌ای که بیشتر اشاره شد، قادر نیستند که ظرفیت مازادی را نگهداری کنند. اگر مجمع قاعده تثبیت قیمت را بپذیرد ممکن است برای مانع بزرگ غلبه کند.

د) اطلاعات

اطلاعات عنصر کلیدی برای ایجاد و نگهداری کنترل بازار توسط یک کارتل است (Alhajji, 2000: 1151-1164). اطلاعات ناکافی و نادرست اساس به‌کارگیری سیاست‌های نامناسب کشورهای تولیدکننده نفت است.

اوپک هنوز هم برای کشف تقلب و بازداشتن متقلبان ناتوان است (Mabro, 1999). فقدان اطلاعات ممکن است مانع مجمع از تنظیم بازار شود و این دلیلی است بر این که بازارها متفاوت عمل کرده و هنوز در حال توسعه هستند.

کنترل موثر بازار از سهم‌بندی و دسترسی به اطلاعات قیمت، تکنولوژی جدید، سطوح هزینه و تولید در هر بازار نیاز دارد. (و در هر کشور) این موضوع توضیح می‌دهد تلاش مجمع در جهت همانندسازی است. از این برنامه انتظار می‌رود که اطلاعات بازار در هر دو سطح منطقه‌ای و جهانی را برای تفاهم بهتر صنعتی، تجزیه و تحلیل و تعیین کند (Khelil, 2003).

ه) رقابت و مسائل قیمت

رقابت با دیگر منابع انرژی می‌تواند قیمت گاز را تعیین کند. هنگامی که تقاضای گاز افزایش یابد، رقابت نفت و دیگر منابع تجدید شدنی انرژی ایستادگی خواهند کرد (Iea, op.cit). با در نظر گرفتن دسترسی به منابع دیگر، مخصوصاً زغال‌سنگ و انرژی هسته‌ای، کشورهای غنی گاز، ممکن است در مورد ایجاد مجمع هشیار باشند. فقدان قیمت مرجع و فقدان بازار جهانی برای گاز، نیاز به چنین توجهی را پررنگ‌تر می‌کند. این امر همچنین از تامین اعتبار بانکی برای طرح‌های گازی جلوگیری

می‌کند. چرا که گردش نفت شاخص‌دار می‌باشد، بنابراین ممکن است تشکیل مجمع تا زمانی که گاز، مهمترین ماده انرژی، از نظر جهانی باشد، به تاخیر بیفتد.

نتیجه‌گیری

با توجه به روند تکاملی اوپک، مجمع کشورهای صادرکننده گاز کاملاً در راه مانده به نظر می‌رسد. با این حال و علی‌رغم موانع متعدد برای همکاری میان کشورهای غنی و برخوردار از گاز، برخی از کشورهای همچون مصر تلاش دارند مجمع را به سمت تعیین قیمت‌های آینده گاز هدایت کنند. همچنین مطالعات آشکار می‌کند که پتانسیل زیادی برای ضرورت ایجاد یک کارتل گازی وجود دارد. اکنون «مجمع» اجتماعی از تولیدکنندگان گاز به منظور مشاهده برای اصلاح پتانسیل مواد اولیه به‌عنوان یک منبع انرژی به نظر می‌رسد.

ملاحظات اقتصادی - اجتماعی، ممکن است بعدها مسائل جدیدی را ایجاد نماید، اما احتمالاً تجسم آینده آن برای پیشگویی دقیق مشکل خواهد بود. این دورنگری مستلزم مطالعات بیشتر و بررسی دقیق‌تری در رابطه با ماهیت سیاسی مجمع خواهد بود.

چگونه مجمع در بازار آزاد گاز قیمت‌ها را تعیین خواهد کرد؟

آیا مجمع بدون روسیه می‌تواند وجود داشته باشد؟ آیا امکان انحصار روسی وجود ندارد؟

آیا ایجاد یک بازار با مزیت برای مجمع وجود دارد؟ و بسیاری از پرسش‌های دیگر، پرسش‌هایی است که آینده پاسخگوی آن‌ها خواهد بود.

فهرست منابع

- Adelman, M.A (1993). The economics of petroleum supply. Massachuset: the MIT press.
- Alberdeen Press (2004). "International gas cartel fires up", 24 Allberdin Press and Journal, (April 5).
- Agoulnik, A (2004). "A new OPEC in the pipeline?", Washington Post: (October 20).
- Aisaoui, A (2002). "Gas_exporting countries:towardscartelization?",Oxford energy forum, (august).
- Ait-Laoussine, N (2002). "OPEC & dialogue",Oxford Energy forum, (Nowember).
- Alhajji, A.F, and Huenttner, D (2000). "OPEC and other commodity cartels", a comparison 28 energy policy.
- Bp (2004). Statistical review of world energy.

- Banks, F.E (2003). "An introduction to the economics of natural gas", OPEC review, vol xxvll, No. 1. (March).
- Baerjee, N (2004). "Is natural gas becoming the new oil?", New York Times, (August 20).
- Cda "international Gas Exporting Countries Forum, New Power in Energy World", <http://acssr.ac.ae/Cda>, (February 15, 2002), (last Visited on December 24, 2004).
- De Vany, A.S. and Walls, W.D (1995). The emerging new order in natural gas, (Westport: Green wood Publishing Grup).
- Danielson, A.L (1982). The evolution of OPEC, New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Devi, S. (2004). Investment is about to pay off London F.T, (November 24). Economist (2004). " The future of gas and energy", The Economist Magazine, (August 28).
- Economist (2000). "The end of OPEC?", The Economist, (April 20).
- Energy Intelligence Group (2004). "Fixed gas price pressures", World Gas Intelligence, (May 18).
- Eia (2004). "Annual energy outlook 2003 with projection to 2025", <http://www.eia.doc.gov>, (December 21).
- Griffin, M. and Teece (1982). D.J.(eds.), OPEC Behavior World Oil Price, (London: George Allen & Unwin).
- Global Gas Reporting (2003). "New players are stepping up to take advantage of a market ready for take off ", <http://www.pmcomm.com/globalgas>, (February 2).
- Gately, G (2004). "A ten-year retrospective", OPEC and the World Oil Market.
- Habibi, M (2004). natural gas cartel will never happen, final edition (Qatar: Alberta Calgary Herald, may 27).
- Iea (2002). flexibility in natural gas supply and demand, (Paris: Oecd/Iea).
- (2003). Natural Gas Information, (Paris: OECD/IEA).
- (2004). security of gas supply in open markets: LNG & power at a turning point, (Paris: OECD/IEA).
- (2004). World Energy Outlook, (Paris: OECD/IEA).
- Johanson, D (1994). international fiscal systems & production sharing contracts, (Tulsa: Penwell Publishing).
- Jensen, J.T (2003). "the LNG revolution", 24 Journal of International Association of Energy Economics.
- Khelil, C., address delivered on 4th February 2003 at the GECF third ministerial meeting in Doha.
- Luciani, G (2004). "security of supply for natural gas markets: what is it and what is it not?", INDES working paper, <http://www.caps.be>, (December 18).
- Mabra, R (1999). "Managing oil price whitina band", paper delivered at Oxford energy Seminar. London.

- Nazarov, V.M (2004). Prospects of establishing the world gas market UN round table, (Vienna:).
- OPEC,FAQs (2005). World crude Oil reserves; <http://www.opec.org/homepage/frame>, (January15).
- Opec (2005). what is Opec?, <http://www.opec.org>, (January15).
- Oxford Inst (2004). forenergy large scale investment liberalizedgas markets: the case of UK, <http://www.oxfordenergy.org>, (December10).
- Rahman, M (2004). "Forecast of the world oil and gas market Development", 4th Russian oil and gas week, (November 4).
- Silva-Calderon, A (2003)." Cooperation and the link between oil and Gas", 3^d Russian oil and gas week. (November4).
- SPE international (2004). "Technology to the rescue as stranded gas seeks an Outlet", 181 Spe review.
- Stauffer, T (1997)."natural gas & galf oil: boon or bane", galf energy & the world: challenges 7 threats, (Abu Dhabi: the emirates center for strategic studies & research).
- Teece, D.J and Griffin (1982). J.M., "OPEC behavior:an alternative view, Opec behavior and worldoil prices, (london: George Allen &Unwin).
- Tempest, P (1986). "beyond the rainbow: gas in the twenty-first century", the word gas trade. (Conant M.A; ed; boulder: Westview Press).
- Walsh,C (2004)." the Future of energy", the Observer, (October 3, 2004).
- Williams, B (2003). "Debate Grows over us Gas Supply Crisis Asharbinger of lobal Gasproduction peak", oil & gas journal, (july 21).
- Wagbara, O.N., "can the Market Guarantee Security of Gas Supply?" unpublished research paper (2005).
- Yergin, D (1992). the Prize, (New York: Free press).
- Yergin, D., and Stoppard (2003). M., "the next prize", foreign affairs, no.82.
- Pravda. Ru (2004). Russia to Consolidate Natural Gas market, <http://www.English.Pravda.ru>, (December 14).

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

